

نوشته م. ی. دخویه (خاورشناس هندی)

ترجمه رضا مدنی (اشتوتگارت)

## سه واژه فارسی در فتوح البلدان بلاذری

(توارد پس از هشتاد و چهار سال)

م. ی. دخویه خاورشناس هندی و ویراستار نامور متون عربی جغرافیائی در سال ۱۸۶۶ میلادی متن ویراسته فتوح البلدان را بهمراه یادداشتهای فراوان درباره واژگان و مفاهیم دشوار و همچنین فهرست‌های گوناگون انتشار داد.

بخشی مربوط به ایران این کتاب را آقای دکتر آذرتاش آذرنوش ترجمه نمود که اولین بار در سال ۱۳۴۶ خورشیدی از سوی بنیاد فرهنگ انتشار یافت و بار دوم در سال ۱۳۶۴ خورشیدی از سوی انتشارات سروش پخش شد و نویسنده این یادداشت همین چاپ دوم را دیده است.

در صفحه ۶۵ و ۶۱ کتاب نامبرده، داستان تبدیل زبان دفتر خراج، در زمان حجاج، از فارسی به عربی آمده است و بحثی که بین مردی بنام صالح و یک ایرانی بنام زادن فرخ که هر دو در خدمت اعراب بودند، بر سر امکان ترجمه اصطلاحات دفتر خراج از فارسی به عربی درمیگیرد. پایان داستان برای اغلب آشنا است. پسر زادن فرخ بنام مردانشاه به آن مرد دیوانی که توانائی در این کار نشان داده بود، نفرینی تثار میکند و میگوید «خدایت ریشه از جهان برکناد که ریشه پارسی برکندی.»

در پانویس شماره ۱۷ در صفحه ۶۱ و ۶۰ از سوی مترجم گرانمایه آقای آذرنوش مطالبی درباره حل چند واژه در متن بلاذری آمده، که انگیزه این یادداشت و یادآوری است. آقای آذرنوش می‌آورند:

[۱۷. در اصل: ششویه. این مسئله برای دوخویه حل نشده باقی ماند. وی در تعلیقات خود بر فتوح البلدان می‌گوید که از دزی تقاضای حل آن را کرد و او نیز ترجمه صحیحی به دست نیاورد. توجیحات محققان دیگر (مثلاً تجدید، در ترجمه الفهرست، ص ۲۴۲) نیز قانع‌کننده نیست. من درباره همه این نظریات با استاد مینوی مشورت کردم. ایشان هیچ کدام را نپسندید. علامه فرزاد هم راه حلی نیافت.

اما تصور می‌کنم دکتر محمد محمدی قضیه را حل کرده باشند. ایشان اولادریافتند که «شویه» تحریفی است از «بستویه». ثانیاً، احتمال می‌دهند که به قرینه ایضاً، لفظ «ایدا» که فارسی است و اصل کلمه ایضاً، از جمله حذف شده. سپس لفظ «الوید» را به‌وند = اند اصلاح می‌کنند. در نتیجه، جمله به‌صورتی که ما در بالا به کمک دوقلاب

اصلاح کرده‌ایم درمی‌آید. رك: محمد محمدی، المترجمون والنقله عن الفارسیة الی العربیة... بیروت، ۱۹۶۶، ص ۴۴؛ هم او، «نقل دیوان عراق از فارسی به عربی»، مقالات و بررسیها، دفتر سوم و چهارم، ۱۳۴۹، ص ۱.

نگارنده، این یادداشت، نه آقای دکتر محمدی را می‌شناسد و نه به کتابش دسترسی داشت تا معلوم گردد که آیا آقای دکتر محمدی اشاره‌ای به کار عربشناس نامی هلندی دخویه، در مورد حل واژه‌های مورد بحث دارد یا نه و آیا راه حل پیشنهادی ایشان منحصر به همان مختصری که دکتر آذرنوش نقل کردند، میشود یا اینکه مفصل‌تر از آن است. هرچه هست شباهت زیادی به کار دو دانشمندی دارد که در ۸۴ سال پیش این دشواریهای لغوی را حل نموده بودند. از سوی دیگر برخلاف راه حل دخویه، در پیشنهاد آقای دکتر محمدی، پسوند (ویه) از واژه‌های مورد نظر، مورد بحث قرار نگرفته است. برای یادآوری و بزرگداشت آن دو دانشمند دست از دنیا کوتاه، ترجمه مقاله دخویه را که کوتاهتر و دربردارنده راه حل نهائی است به خوانندگان مجله آینده پیشکش می‌نمایم.

\*\*\*

پیش از دخویه، الس هاوزن گفتاری بنام «درباره نشان دادن اعداد کسری درخط پهلوی»<sup>۱</sup> در مجله گزارشهای ماهیانه فرهنگستان علوم برلین در سال ۱۸۸۲ نشر داد که در آن سه واژه فارسی را که گذشته از کتاب بلانزی در الفهرست نیز آمده بود، مورد بحث قرار داد. (الفهرست به ویراستاری فلوگل در آنموقع انتشار یافته بود و دخویه برای حل مشکلات لغوی پیشنهادهایی داشت).

اولس هاوزن با توجه به تحقیقات زبانشناسانی چون اشپیگل، وسترگارد و دیگران واژه‌های دهویه - ششویه - و «وید» را بررسی میکند و راه حلهائی پیشنهاد می‌نماید و به عقیده دخویه که معتقد بود، کلمات را در متن اصلی نباید دستکاری نمود مؤدبانه برخورد می‌نماید.

دخویه اگرچه همه پیشنهادهای الس هاوزن و شیوه اثبات و استدلال وی را نپذیرفت ولی بر پایه معلومات و نکته‌سنجی‌های الس هاوزن موفق شد، راه حل نهائی و استدلال آن را خود بصورت مقاله کوتاهی بدست بدهد که در سال ۱۸۸۲ در مجله

1- Olshausen, J. : Über die Bezeichnung der Bruchzahlen in Pahlavi-Schriften in Monatsberichte der königlich preussischen Akademie der Wissenschaften zu Berlin, 1882, S. 675-696.

الس هاوزن خاورشناس آلمانی در ۱۸۵۵ میلادی زاده و در ۱۸۸۲ م. درگذشته است. او زبانهای خاوری را در پاریس نزد سیلوستر دوساسی آموخت و در کیل مرحله دکترا را گذراند. نوشته‌های زیادی درباره ادیان - زبانها و تاریخ دارد در زبانهای ایرانی، تاریخ خط پهلوی، مطالب مربوط به اشکانیان، سکه‌های اسپهبدان طبرستان و... نیز آثاری دارد. فهرستی نیز از دستنوشته فارسی در کتابخانه شاهی کپنهاگ، فراهم آورد که بوسیله F. Mehrten تکمیل شد و در سال ۱۸۵۷ بچاپ رسید.

انجمن خاورشناسان آلمان Z.D.M.G. جلد ۳۶ انتشار یافت. ۲.

## اعداد کسری فارسی در کتاب بلاذری

در مجله «گزارش ماهانه فرهنگستان شاهی علوم برلین» مورخ ۱۶ ژوئن ۱۸۸۲ میلادی آقای دکتر الس هاوزن Olshausen با تیزبینی شگفت‌آوری دو معما را حل نمودند. وقتی در زمان حجاج تصمیم گرفته شد، دفترهای خراج را که تا آنوقت به فارسی نوشته میشد، به‌عربی بنویسند، یکی از دیوانیان که اعرابی بود، بیان داشت، امکان ندارد بتوانیم اصطلاحات فنی فارسی را به‌عربی برگردانیم.

این مطلب را بلاذری در کتابش [فتوح البلدان] از مدائنی نقل میکند و چند نمونه از برابریابی واژه‌ها را ذکر می‌نماید. از جمله برابر اصطلاح يك‌دهم را به‌عربی عشر و يك بیستم را به‌نصف‌العشر و برای اصطلاح فارسی «اندکی بیش» واژه نصف را نام می‌برد.

واژه‌های فارسی این اصطلاحات در کتاب بلاذری به‌ترتیب «دهویه»، «ششویه» و «وید» می‌باشد. به‌جز «دهویه» که از روی عدد «ده» به آسانی شناخته میشود، باقی حل نشده بجای ماندند.

در «الفهرست» نیز که داستان پیشگفته از همان منبع نقل شده، دشواریهای موجود برای ویراستارش [آقای فلوگل Flügel] نامفهوم بجای ماند ( II صفحه ۱۵۷ بعداً)

دکتر الس هاوزن در مقاله‌اش راه پی‌بردن به‌شيوه درست خواندن [واژه‌ها] را نشان میدهد. او به‌ما می‌آموزد که چگونه به‌موازات اعداد کسری متداول «سه‌یک» و «ده‌یک» در فارسی نوین، شکل کهن‌تری نیز وجود دارد. در شکل اخیر به‌انتهای مخرج يك کسر دو هجا افزوده می‌گردد. یکی « $o = a$ » یا « $jo = io$ » که در اساس همان عدد يك می‌باشد، دو دیگر، پسوند « $ta(k)$  تاك» یا « $da(k)$  داك» که صورت و مخرج را بشکل واحدی بهم می‌پیونداند.

بدین سان، بنا به‌داوری دکتر الس هاوزن، باید در پاره دوم واژه «دهویه»

2- De Goeje, M. J. : Die persischen Bruchzahlen bei Beladhori, in Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft, Bd. 36, 1882, S. 339-341.

۳- در اینجا ما یلم یادآور شوم که نوشته من به فلوگل [درباره مشکلات لفوی] پاسخی شتابزده بود و برای چاپ در نظر گرفته نشده بود. اگر در آن با تعمق تجدید نظر میکردم، دست‌کم مطالبی از آن را یقیناً حذف می‌نمودم.

[الس هاوزن در مقاله‌اش درستی یادداشتهای دخویه را رد میکند. پانویس بالا پاسخ مؤدبانه دخویه به‌نشانی الس‌هاوزن است. م.]



[بجای شش]، سش آمده است.

الس هاوزن برای «وید»، «وند» را که سبک شده «واند» است، پیشنهاد میکند و در درستی آن شکی نیست. نگارنده به هنگام بررسی نسخه‌ای از ترجمه فارسی کتاب استخری، بارها متوجه گردید که برابر «نیف» عربی واژه فارسی «واند» آمده است. بدینسان خود نگارنده به این درست گردانی رسیده بود و در حاشیه نسخه ملکی خویش نگاشت:

“Suspiciari quis posset legendum esse

ولی دو مشکل هنوز حل نشده بجای مانده بود که با بررسی دکتر الس هاوزن برطرف شد. یکی افتادن الف و دیگر این مطلب که «وید» (آنچنان که در نسخه بلاذری آشکارا به چشم میخورد) بصورت یک واژه فارسی در فرهنگها موجود است و معنایش هم [در زمینه مورد بحث] پرنامناسب نیست.

در عوض نمی‌توانم درستی [عبارت] «اکتب وایضا» را در الفهرست و درستی ترجمه «وایضا» را که دکتر الس هاوزن به «واندکی بیش از آن» بدست داده، بپذیرم. در این مورد متن بلاذری بر الفهرست تقدم دارد که ترجمه آن ساده و چنین است: «برابر این را نیز قادرم بدست بدهم زیرا (وند) به عربی نیف می‌باشد.»

الس هاوزن در بخش دوم گفتارش گواه استواری در تأیید این موضوع که واژه‌های فارسی در عربی غالباً به شکل کهن‌تر و نزدیک به پهلوی دیده میشوند، بدست میدهد. وی در این بخش نشان میدهد که تلفظ عربی «ویه» در سیویبه و ماندش، شکل کهن خویش را نگهداشته‌اند.

در حالیکه «-ویه» که وسیله عربها اخذ گردیده، جدیدتر بوده و در ایران پدید آمده است.

دستوربان عرب متفق القول تلفظ «ویه» را خواستارند از اشعار عربی که از آن دوشاهد توسط دکتر الس هاوزن در بررسی‌اش نقل شده و نگارنده نیز به نقل از آغانی XVIII، ۷۴، ۴ حمویه را بدان می‌افزاید، بخوبی برمیآید که این شیوه تلفظ، واقعاً متداول بوده است.

در مقابل در زمان مأمون، در بغداد تلفظ (ōja) دست کم در زبان توده مردم معمول بود، مانند قصر عبدویه در یک شعر عامیانه که مربوط به زمان محاصره بغداد می‌شود.

بموازات (بویه، به فتح سوم)، نام بویه (ذهبی، مشته ۹۴) نیز وجود داشت. در کنار سسیویه (واو مفتوح - یاء مضموم) برخی نیز سسیویه میگفتند که بعدها حتی نویسندگان دانشمندی چون مقریزی این وجه تلفظ را درست دانستند.

۵- ترجمه جمله لاتینی که آنرا به آلمانی مدیون دوستی هستم، چنین است: گمان میرود که باید «واند» خوانده شود. م.